

بارش مفاهیم بر درختی تکیده

یادداشتی بر نمایش «پینو»

به نویسندگی و کارگردانی رها شکری از استان گلستان



عکس:حسین زاهدی‌پا

گفت و گوی شهرآرا با کارگردانان نمایش های جشنواره منطقه ای تئاتر کشور در مشهد

«خاوران»، فرصتی برای آشنایی و کسب تجربه

ریحانه موسوی

گفت‌وگویی روز

دومین بخش از بیست و هشتمین جشنواره تئاتر منطقه ای کشور، با منطقه ای کشور، با

عنوان جشنواره تئاتر منطقه ای «خاوران» که از ۱۵۱۰ ماه با ۲۱نمایش صحنه ای و ۱۸نمایش خیا بانسی از استان سیستان و بلوچستان، گلستان، کرمان، تهران، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، مازندران و آذربایجان شرقی در مشهد برگزار می شود. امروز به کارش پایان خواهد داد و برگزیدگان این رویداد هنری، به چهل و دومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر راه پیدا خواهند کرد. «کیفیت آثار»، «میزبانی جشنواره» و «استقبال مخاطب» مواردی بود که در گفت وگو با کارگردانان چند نمایش این جشنواره به آن پرداختیم.

آشنایی با فرهنگ و هویت شهرها از طریق تئاتر

مهدی مسروری، کارگردان نمایش صحنه ای «فخرالزمان»، اثرش را برگرفته از یک رمان تاریخی و بازنویسی نمایشی دیگر معرفی می کند و می گوید، «باتوجه به اینکه گروه نمایشی ما روز آخر جشنواره اجرا داشت، به همین دلیل در جشنواره نبودیم تا بتوانیم این رویداد را تحلیل کنیم. ما چالش هایی از قبیل گذاشتن اجرای گروه های تئاتر خراسان جنوبی در برنامه روز آخر جشنواره و تعداد کم افراد پذیرش شده داشتیم که با مذاکره از مسئولان خواستیم آن ها را رفع کنند.

این هنرمند با بیان اینکه من حدود چهارده سال است تئاتر مشهد را می شناسم و کارهای مختلفی را در این شهر دیده ام، اظهار می کند؛ برخی هنرمندان بیرجندی در تئاتر مشهد مشغول به کار هستند و این شهر پیشرفت و جایگاه خوبی دارد. کیفیت کارها بسیار خوب است و خوش حالم که یک شهر نزدیک تر از پایتخت به ما وجود دارد و می توانیم با حضور در آن تئاتر های با کیفیت ببینیم.

وی درباره برگزاری جشنواره تئاتر منطقه ای خاوران ابراز می کند؛ جشنواره های منطقه ای اول به صورت استانی و بعد به صورت سالانه در کشور برگزار می شوند. اولین و بهترین تأثیر اشتراک چند استان در کنار هم، این است که می توانیم با سطح کیفی کارهای هر استان و هنرمندان آن ها آشنا شویم. ما از سال ۱۳۸۴ به بعد در جشنواره ها حضور داشتیم و به این نتیجه رسیدیم که هرزمان تئاتر آیینی بسیار خوبی دارد. همچنین، کیفیت تئاتر کرمان خوب است. بازیگران خراسان شمالی نیز اجرای بسیار خوبی دارند که در دیده شدن کارها تأثیر بسزایی دارد.

مسروری، فرهنگ و هنر را جزو جدایی ناپذیر اجتماع

● جشنواره، میزبانی و استقبال خوبی دارد

حسن رجب پور، کارگردان و بازیگر نمایش میدانی «دخترک و مجسمه» از استان گلستان که از سال ۱۳۶۹ وارد عرصه هنر شده و در بیش از هفتاد نمایش ویبست فیلم و سریال به ایفای نقش پرداخته است، می گوید؛ من تئاتر

مشهد را از زمان رضا صابری می شناسم. اما اکنون آشنایی خاصی با آن ندارم. چندین بار در مشهد کار تعزیه اجرا کردم که استقبال خوبی از آن شد. این هنرمند با بیان اینکه برگزاری این جشنواره به مدیریت بیشتری نیاز داشت، بیان می کند؛ میزبانی و استقبال از این رویداد به طور کلی خوب بود، اما بعضی گروه ها با مشکل حمل ونقل روبه رو شدند. رجب پور که کارگردانی بیش از بیست تئاتر را در کارنامه دارد، برگزاری این گونه جشنواره ها را در دیده شدن بیشتر و بهتر تئاتر شهرستان ها مؤثر می داند و تصریح می کند؛ اگر مسئولان مقداری در این زمینه از هنرمندان حمایت کنند، بهتر است. وضعیت کار ما واقعا سخت است. اکنون مشخص نیست چه زمانی قرار است هزینه این جشنواره به ما پرداخت شود. ما مشکلاتمان را با

علیرضا اسدی، کارگردان و منتقد تئاتر

نقد روز

کارکردی به جز یک زنگ تفریح ندارد. گریزی از هجمه سنگین واژگان و تعدد مفاهیم که هر یک از آن ها می توانست به شکل مستقل دستاویز تولید یک اثر نمایشی باشد. نکته دیگری که درباره «پینو» می توان به آن اشاره کرد. خلق فضای سیاه، عاری از امید و پرداخت پی در پی به چالش های پیش روی انسان امروز است. طرح دغدغه های تیره که گاه جهان شمول است و گاه گریبان گیر سایا و ایران خود رومی شود! شیوه آغاز نمایش که پیش از ورود تماشاگران به سالن می کوشد آن ها را به ضیافتی متفاوت دعوت کند، ساختار شکنانه است. اما به جز ائتلاف وقت معنایی نمی یابد. با این وصف، باید اشاره کرد که مخاطب امروز به ایجاز عادت کرده است و یک اجرای طولانی را نمی پذیرد. گروه اجرایی برای مجاب کردن مخاطب در همراهی با زمان

طولانی اثر، تمهیدی ندارد. خالی شدن بیش از دوسوم سالن حین اجرا و صدای کف زدن چندباره تماشاگرانی که به احترام گروه اجرایی در سالن حضور داشتند، مؤید همین قضیه است. با در نظر داشتن قواعد بازی در نمایش هایی با این سیاق اجرایی و مبنای ضد رئالیستی آن می توان ادعا ن داشت دو بازیگر اصلی نمایش در ارائه شخصیت ها به توفیقی نسبی دست یافته اند. بازی پریناز جلالی نژاد در نقش پینو را می توان پرزنگ تراز دیگران دانست و در مقابل، بازی دیگر بازیگر زن این نمایش با اغراقی آزار دهنده همراه است. طراحی صحنه نمایش شامل سکوهای چوبی نامتقارن که به شکلی هدمفند در طول اجرا استفاده شده است، با آشفتگی عامدانه مستتر در کلیت اثر هم راستاست. در مقابل، ایده استفاده از درخت

خشکیده که هیچ بهره ای از آن نیز گرفته نمی شود در بسیاری از نمایش های پست مدرن استفاده شده. نخ نما و کلیشه ای است. نمایش متکی بر دیالوگ است و بهره گیری از جذابیت های بصری که می توانست در تأثیر گذاری آن نقش آفرین باشد، نادیده گرفته شده است. رنج ها، واهمه ها و اضطراب های بشری صرفا بیان می شود، اما دیده نمی شود و بین این دو تفاوت است. گویی پینو فقط ابزار مصنوعی بشری است که برای یادآوری این تألمات تولید شده است. یکی از نقاط عطف اثر، طراحی لباس آن به ویژه لباس انتزاعی پینوست. بهره گیری از ظرفیت های دیجیتال و ویدئومپ که گویا قرار است فضای ذهنی نمایش را با مابه ازای واقعی آن مرتبط کند. ایده جذابی بود که می توانست نقشی تأثیرگذارتر ایفا کند.

نقد روز

ایجازگویی، بلای جان نمایش

نقدی بر نمایش «یک کوزه آب» به کارگردانی مهدی سالمی از خراسان جنوبی



عکس:عباس سنگانی-شوران

عباس جانفاد، نویسنده و منتقد تئاتر

در باور مردمان کویر، قنات اگر ن باشد، تاب آوری کمتری برابر خشک سالی دارد و وقتی چنین شد، باید پیوه زنی به عنوان عروس قنات به عقد قنات درآید تا قنات سترون دگرپاره بارور و آب آور شود. این موضوع دست مایه کار حسین ابراهیمی، هنرمند نام آشنای دیار فردوس، شده است تا یک کوزه آب را قلمی کند و آن را در اختیار گروهی جوان و بانشاط در شهرستان سراپان که قرائتی هم با کویر و باورها و آیین های جنوب خراسان دارد، بگذارد تا شاهد اجرایی گرم و گیرا و صمیمی از این اثر باشیم. نخست آنکه «یک کوزه آب» به باور نگارنده در ارتباط با مخاطب نمره قبولی می گیرد و او را در لحظات گوناگون یا داستان نمایش همراه می کند، اما ایجازگویی بیش از اندازه بلای جان این نمایش شده تا برای مخاطبی که با این فرهنگ و آیین ها کمی بیگانه است، برخی اتفاقات داستانی نمایش مبهم بماند و به اصطلاح داستان در پاره ای موارد به بلوغ نرسد. از دیگر سو، در کارگردانی تلاش شده است با حرکات پانتومیم گونه ابرازها و ادواتی که با فرهنگ روستایی هم نشین هستند، به کار گرفته شوند، اما کاش از همین ابرازها که در گوشه صحنه بیشتر کارکرد نمایشگاهی داشت، استفاده بیشتری می شد تا ما مفهوم این حرکات را بهتر درک کنیم. هرچند همین پانتومیم ها تلاش می کنند به ما القا کنند که این نمایش حاصل زحمات مردان و زنان هنرمندی است که از کمترین امکانات هم محروم هستند و یادستانی خالی و فقط باتکیه بر هنرشان این اثر را تا بدین جا با چنگ و دندان به صحنه آورده اند. کارگردانی اثر در طراحی حرکات هماهنگ بازیگران به ویژه آنجا که افکت های محیطی نمایش توسط بازیگران ادا می شوند، نشان دهنده هوشمندی ویژه طراحان این نمایش است.

ضمن اینکه هماهنگی بازیگران و عوامل در جای جای نمایش ستودنی است. در طراحی صحنه هم تلاش شده است دوباره بر محرومیت و فقر مردمان کویر تأکید شود. در هر صورت، باید به بچه های تئاتر سراپان که حتی از داشتن یک سالن مناسب تئاتر هم محروم هستند و بیست سال انتظار را برای ساخت تنها سالن شهرشان پشت سر گذاشته اند، دست مریزاد و خداقوت گفت که چنین بی پیرایه و بی هیچ زُست روشن فکرانه ای باورها و آیین های دیارشان را پاس می دارند و با خواندن اشعاری که فقط در فرهنگ شفاهی آن دیار یافت می شود، این باور را در ما زنده می کنند که اگر حال خوب می خواهید، چاره ای به جز بازگشت به اصل خویش ندارید.

با آنان همکاری کرده ام.

وی با اشاره به استقبال خوب علاقه مندان از نمایش های جشنواره منطقه ای تئاتر خاوران، برنامه ریزی اجراها را بسیار فشرده بیان می کند و می گوید: «دین هفت اثر در یک روز بسیار سخت و خسته کننده است، به ویژه اگر کاری خوش ریتم و خوش ساخت نباشد.

● استقبال تماشاگران و محدودیت های سالن ها

شاهین سلطانی، کارگردان نمایش صحنه ای «ننه زار» که از استان تهران مهمان مشهدی هاست، درباره اثرش می گوید؛ نمایش «ننه زار» بخشی از دوران دفاع مقدس را به تصویر می کشد و داستان دو برادر است که از طریق ماهیگیری امرار معاش می کنند. زمانی نیروهای یعنی حمله می کنند و ذهن مادر و برادران درگیر جنگ می شوند.

وی، مشهد را یکی از بهترین گزینه ها برای برگزاری جشنواره مناطق می داند و اظهار می کند؛ هنرمندان این شهر هرسال یکی دو نماینده در جشنواره فجر دارند. در این جشنواره نیز به دلیل میزبانی، اجرایی روی صحنه نبرندن. ما در این جشنواره ها حاضر می شویم تا به تجربیاتمان بیفزاییم. در هر رویداد آثاری متفاوت وجود دارد. ما کارها را قیاس نمی کنیم و باعلاقه به تماشای آن ها می نشینم. زیرا تئاتر را بسیار دوست دارم. این هنرمند در پایان، استقبال از جشنواره تئاتر خاوران را خوب بیان و ابراز می کند؛ یکی از مشکلاتی که در جشنواره وجود داشت، کمبود فضا بود که موجب ناراحتی مخاطبان شد. تئاتر مشهد طرف داران فراوانی دارد و جمعیت زیادی برای تماشای آثار می آیند، اما ظرفیت سالن ها کم بود.

مسئولان فرهنگی و هنری استانمان نیز در میان گذاشته ایم، اما مسئله این است که از هنر آن گونه که باید حمایت نمی شود.

این هنرمند، برگزاری این نوع جشنواره ها را در روند رشد و رونق تئاتر بسیار تأثیرگذار می داند و می گوید؛ این گونه رویدادها تأثیر خوبی بر کار و هنر همکاران ما دارند، اما نمی دانم چه زمانی قرار است هنر ما دیده و به آن بها داده شود. گاهی انگیزه مان را از دست می دهیم، اما اگر همه هنرمندان یکی یکی کنار بیروند، چه کسی می خواهد کار کند؟

● فشردگی برنامه برای اجرای نمایش ها

محسن میرزایی، کارگردان نمایش صحنه ای «کلاه شما قاضی» از کرمان که یکشنبه دهم دی ماه در تماشاخانه بهار میزبان علاقه مندان بود، به خبرنگار شهرآرا می گوید؛ این نمایش بر اساس یک تجربه زیسته نوشته شده

است. من سیزده سال سابقه حضور در کنار دو قشر زندانیان و توان یابان را دارم و از سوزهای آنان برای نوشتن استفاده می کنم. وی که از استان کرمان در این جشنواره حضور دارد، بیان می کند؛ امروزه جشنواره ها مکانی برای تبادل افکار و تجربه ها هستند که این موضوع اتفاق خوبی است. من در این چندروز از دیدن آثار خوب و برعکس، بدبودن تعدادی از کارها شگفت زده شده ام. میرزایی اوضاع میزبانی از این رویداد را بسیار خوب توصیف می کند و می گوید؛ من در جشنواره های زیادی در مشهد بوده ام و هر بار با خاطرات خوب از این شهر رفته ام. گاهی به تئاتر مشهد به ویژه امکانات آن حسادت می کنم. مشهد بعد از تهران، پایتخت تئاتر ایران است و هنرمندان بسیار خوبی دارد. من پیشکسوتان این شهر را می شناسم و

آ نیمه متفاوت؛ مقبول و نچسب!

نقدی به نمایش «آشغال مرد» به کارگردانی نظیر برهان از سیستان و بلوچستان

امین خرمی، منتقد و روزنامه نگار

نقد روز

نمایش «آشغال مرد» براساس اثری از مائتی و یسنی یک و به کارگردانی نظیر برهان است. این نویسنده مشهور رومانیایی فرانسوی در اثر متفاوتش از تک گویی ها استفاده کرده است. او این متن ها را همچون تکه های آینه ای معرفی کرده که شکسته است.

آینه ای که پیش از این یک بازتاب واحد از روح و جسم انسان و جهان داشته و اکنون تکه هایی از آن در دست ماست. تکه هایی که متعلق به همان ماده اولیه اند و همین تعلق به ماده اولیه است که وحدت، عطر، بو و هویت آن ها را شکل می دهد. نمایش از بازسازی آینه تشکیل شده است. این ماجرا بازی جذابی است، زیرا هر بار قطعاتی را در دست داریم که آن ها را اگر دهم می آوریم و چیزی از آن ها می سازیم. آینه ای که کامل نیست، اما بسیار چیزها را در خود بازمی نمایاند. این

بازی پایان ندارد، زیرا به بازیگران تئاتر اجازه می دهد هر بار داستانی دیگر و آینه ای دیگر پیدا کنند. مائتی وینسی یک، یکی از سردمداران دوران مدرن و قرن بیستم در مفهوم تئاتر معنا باخته به شمار می رود. «آشغال مرد»، برشی تجزیه شده از برخی نمایشنامه های مختلف با رویکرد و محوری ساکت و ثابت است. گروه اجرایی نمایش «آشغال مرد» از استان سیستان و بلوچستان برای ارائه این نمایش، همه تلاشش را کرده است تا هم به تفکر و یسنی یک و هم با نگاه فرهنگی انسان شرقی به مسئله معنا باختگی نگاه کند. بر این اساس است که فصلی از طراحی صحنه این اثر به دایره مرکزی در صحنه بازمی گشت که بنابه قرارداد نمایشی، این گونه مشخص است که هرکس بر این دایره وارد شود و درون آن قرار گیرد، هویت خودش را از دست می دهد.

آنچه نظیر برهان، کارگردان «آشغال مرد»، برای روایت اثرش انتخاب کرده است، نشان دهنده سیر

مطالعاتی، هوش و ذکاوت و اشراف به آرا و اندیشه های جهان شمول او برای تولید یک اثر نمایشی است. اما اتفاق تلخ، زمانی به وقوع می پیوندد که با وجود فرم مناسبی که اثر ویسنی یک در اختیار گروه نمایشی قرار می دهد و همچنین تفکر و اندیشه ای که این اثر نمایشی در فرازهایی از ارتباط مستقیم خود با ذهن کاوشگر و اهل مذاقه مخاطب برقرار می کند، در حوزه فرم اجرایی گروه دچار آسیب می شود.

اگر ما در این نمایش نقدمان را بر اضمحلال مفهوم انسانیت قرار داده ایم، پس تا این حد تأکید گروه بازیگران برای ارائه اثر با رویکرد بازی اغراق شده و انزری خوب چه در لحن، چه در بیان و چه در حوزه بهره بردن از زبان بدن خود، قابل فهم نیست و نمایش «آشغال مرد» را دقیقاً به دو نیم قسمت می کند. نیمه اندیشه ورز آن محترم است و در حوزه محتوا تعریف می شود و نیمه دیگر، بُعد اجرایی یا فرم اثر است که به هیچ وجه و با هیچ چسبی قابلیت

اتصال به تفکر را ندارد. بی تردید پیداست که غرض از این نوشته، استفاده از لحن و بیان آرام یا سکون و سکوت بازیگر در قالب میزانشن های طراحی شده مد نظر رقم این سطور توسط کارگردان و گروه بازیگران نیست.

تأکید بر اغراق در شیوه بازی بدن و زبان بدن بازیگر با میزانشن های اغلب شکسته و نه منحنی، چنان

تندی، تیزی و تلخی را در رویارویی با زندگی انسان قرار



عکس:حسین زاهدی‌پا

می دهد که حاصل بیشتر پریشانی ذهن مخاطب در به هم پیوستن دانه های پازل نمایش «آشغال مرد» است. در نهایت باید تأکید کرد که با تغییر شیوه تکنیکی و فرم مدنظر نظیر برهان برای اجرای نمایش «آشغال مرد»، مبتنی بر داشته های معنایی، فرهنگی و هویتی استان خود- سیستان و بلوچستان- می توانست دستاوردهای بسیار بیشتری را برای نمایش به همراه داشته باشد.